

محترم جناب داکتر هاشمیان،

امیدوارم با فامیل به صحت و سلامت باشید. همان طور که انتظار میرفت، شما به سوالات من در مورد عملیات گوناگون قوای مسلحی که در افغانستان مشغول جنگ هستند، به افغان جرمن آنلاین و شخص من جوابی ارسال نمودید. البته به پشتیبانی از همان حق آزادی بیان و عقیده، یعنی آزادی های فردی که دقیقاً در اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸ درج و از جانب ممالک عضو ملل متحد قبول گردیده است، ما هر دو نظریات و افکار خویش را در مورد موضوعات مربوط به وطن ویران و مردم گروگان گرفته آن داریم.

خوب میشد که قبل از نشر جوابیه در مطبوعات، آنرا برای یک تعداد نسبتاً زیادی از خوانندگان، قبلاً ایمیل نمیکردید، چونکه در متن مضمون نکاتی است که اصرار شما بر آنها متأسفانه به مفاد شما و سوابق مطبوعاتی اجتماعی تان نبوده و نشر آن سبب میگردد که مخالفین سوگند خورده تان بر علیه شما موقف بگیرند.

از جانب دیگر، اصراری که در قسمت های زیاد مضمون در مورد قومیت پدري من، تکرار زیاد آن و یاد آوری درین موضوع با نظریات خود شما در مورد مسائل مربوط به پشتون بودن من داشته اید، برای هردوی ما که برای وحدت ارزشمند ملی تمام اقوام شریف وطن همیشه مبارزه مینماییم، مفید واقع نگردیده بلکه با نتیجه برعکس، تیر مخالفین را بر علیه شما و شاید هم من، دسته می اندازد. من ده ها مقاله و مضمون در زمینه مظلومی که در اثر بمباردمان های کور قوای خارجی بر هموطنان جنوب، جنوب غرب، شرق و جنوب شرق وارد شده است، تحریر نموده ام که نمونه آن معرفی بیجاشدگان بی سرنوشت و دربدر ولایات هلمند، ارزگان، قندهار، فراه و امثال آن در چهار راهی قنبر، نزدیک عمارات مجلل سر بفلک کشیده در شهر کابل میباشد! حیات رقتبار ساکنین این کمپ را که داکتر بشردوست به کمک خانم سنجیه کامرانی بار بار بر پرده های تلویزیون آشکار نموده است، کاملاً میتواند مظهر جنایات بشری بی چون و چرای ماتم سرایی بنام ولایات پشتون نشین باشد... من مقالات مستند و فراوانی در مورد چنین مظالم بشری تحریر نموده ام که بیشتر شان در آئینه افغانستان به نشر رسیده است... فرقی ندارد که پدر و اجداد من پشتون بوده اند یا از کدام قوم شریف دیگر این سرزمین در خون و آتش غرق! من بهر حال یک افغان دردمند و یک مبارز حقوق بشر و حقوق پامال گشته زن همیشه مظلوم و محروم افغان هستم!

باور بفرمائید که من حتی از زمان اقامت در افغانستان و قبل از محصل بودن در پوهنخی حقوق و علوم سیاسی، به اساسات و مقررات حقوق مساویانه انسان ها و هموطنان معتقد بودم و پامال مقررات حقوق بشر را با هیچ معذرتی نمی پذیرفتم. برای مزید معلومات، در پوهنخی حقوق، من از اپارتاید امریکا بر سیاه پوستان و از تبعیض نژادی در افریقای جنوبی دائم انتقاد می کردم و معتقد بودم و هستم: **که بنی آدم اعضای یکدیگرند، که در آفرینش ز یک جوهرند!**

بنابراین، از من نباید توقع برد که آنچه را قوای خارجی درین ده سال بر مردم بیوسيله و مظلوم ما، علی الخصوص بر ولایات پشتون نشین افغانستان وارد نمودند و با پامال دهشتناک مقررات حقوق بشر، سکنه بی وسیله آن سرزمین ها را مقتول، سرپناهای شان را ویران، خود شان را دربدر و خاک بسر نموده اند، حمایت نمایم.

محترم داکتر صاحب، در دانش، علمیت، تحقق و داشتن مطالعات وسیع شما در پهلوی وطن پرستی و افشای جنایات و خیانت های فروخته شدگان به دشمنان افغانستان، هیچ شک و شبهه ای موجود نیست، ولی آیا فکر نمی نمائید که پیچیدن در مورد استعمال اصطلاحاتی چون «**مخالفین مسلح**» و «**مقاومت مسلح**» که هردو برای گروه هایی که بر علیه دولت افغانستان و قوای خارجی میجنگند، استعمال گردیده و تقریباً مترادف هم اند؟ پس چرا در جوابیه تان قسمت زیادی از نوشته را با تکرار روی این موضوع سپری نموده و بر طوالت مضمون افزوده اید؟ این گروه ها هرکی میتوانند باشند، کشتن بیرحمانه مردم بی دفاع افغانستان اعم از زن، مرد و طفل معصوم آن توسط شان، نمیتواند آنانرا جانشین مجاهدین سر سپرده تاریخ این سرزمین و ناجیان ملت افغان گرداند... ملا محمد عمر نمیتواند وزیر اکبرخان گردد. آنانیکه یکروز اوامر پاکستان خائن را اجرا نموده اند، از هر قومی که باشند، مجاهد و مبارز نیستند!

اینکه نوشته اید که محترم آقای نوری یا اشخاص دیگری، مضامین ساده و عامیانه مرا نظارت و رهنمایی مینمایند، حتی خود این اشخاص را به تعجب واداشته است.

البته در مورد جوابیه طولانی شما هنوز گفتنی زیاد است و با اینکه به کرات اینجانب را به تهمت و افترا بر خود ملامت فرموده اید، من با حفظ حرمت به شما، مکتوب خویش را در همین جا پایان میدهم.

به آرزوی موفقیت های مزید تان در راه خدمت به وطن و مردم رنجور آن،
ملالی نظام